



گفت‌وگو با ملیسا روزنبرگ

فیلمنامه‌نویس حماسه‌گرگ و میش: ماه نو

چینا مک اینتایر

مترجم: حسین عیدی‌زاده

# دشواری تصویر کردن احساسات

در ذهن بلا زنده نگه داشته می‌شوند و غیبتشان چندان حس نمی‌شود. و خواننده هم چون همپای بلا است، اصلاً چنین چیزی را حس نمی‌کند. مسئله این بود که چطور در فیلم این کار را انجام دهیم. به نظرم راه درستی برای هماهنگ بودن با کتاب را پیدا کردیم. و این راه، دوستی با جیکوب بود. در کتاب این دوستی شکل می‌گیرد، اما نه در جلد دوم کتاب.

## کتاب ماه نو چه ویژگی‌ها و قدرتی داشت؟

قدرت کتاب در این است که استغنائی مایرز احساسات پیچیده را به خوبی تصویر کرده است. او اصلاً به دام فیلم‌های رمانس نوجوانانه نمی‌افتد. اصلاً سیاه و سفید نیست. بسیار پیچیده است. چه اتفاقی می‌افتد وقتی دوستی را از دست می‌دهد؟ تقابل عشق رمانتیک و عشق افلاطونی چیست؟ احساسات گوناگونی هستند که کاملاً برای ما واضح هستند، اما تبدیل این احساسات به فیلم بسیار سخت و دشوار است. چون در فیلم همه چیز ساده است و بسیار روان در حرکت است. چه کار باید با این پیچیدگی کرد؟ کتاب سرشار از این پیچیدگی‌هاست، همین جذابش می‌کند.

## خب، شما چطور این کار را انجام دادید؟

با بررسی تمام لحظات زندگی شخصیت‌ها و باز گذاشتن راه برای راه حل‌های احتمالی. البته ما بازگرهای بسیار عالی در اختیار داشتیم که می‌توانستند به رنگ‌های گوناگون دربیایند. این امر در به تصویر کشیدن حس‌های پیچیده فیلمنامه که از کتاب آمده بودند، بسیار کمک می‌کرد. وقتی کتاب را می‌نویسید، خیلی راحت می‌توانید در یک لحظه بلا را مجسم کنید که ۱۰ حس مختلف دارد و ۱۰ عمل متفاوت انجام می‌دهد. اینجاست که به عنوان فیلمنامه‌نویس باید تصمیم بگیرید. شاید فقط به یکی دو تا از آن حس‌ها و عمل‌ها نیاز داشته باشید. شما هنگام تماشای فیلم باید بتوانید شخصیت را دنبال کنید و از این شاخه به آن شاخه نپرید. توضیحش سخت است، چون بسیار غریزی است. آیا این صحنه معنی دارد یا نه؟ به نظرم خیلی ساختارگرایانه است. به نظر من داستان ساختار است و ساختار داستان. اگر ساختار درست داشته باشید، آن لحظه داستان را درست می‌نویسید و شخصیت‌ها اعمال مناسب آن لحظه را انجام می‌دهند.

## چند بار این فیلمنامه را بازنویسی کردید؟

موقع نوشتن فیلمنامه بارها بازنویسی می‌کنید. من خلاصه داستان بسیار مفصلی می‌نویسم، حدود ۲۵ صفحه. نسخه‌های گوناگونی می‌نویسم و از دوستان فیلمنامه‌نویس و همکارانم نظر می‌خواهم. در نهایت نسخه‌ای خواهم داشت که به نظرم جواب می‌دهد. بعد آن را به تهیه‌کننده می‌دهم که می‌خواند و جواب می‌دهد و پیشنهادهایی می‌دهد. برای من بخش اعظم نوشتن در زمان نوشتن خلاصه فیلمنامه رخ می‌دهد، چون اینجاست که از کاغذ سفید به فیلمنامه می‌رسی. همه این نسخه‌هایی که تا کنون گفتم، نسخه‌های مختلف خلاصه داستان بود. بعد فیلمنامه اصلی را می‌نویسم و نسخه‌های متعددی دارد، چون حدود ۱۰ نفر از دوستانم آن را می‌خوانند و نظر می‌دهند، در نتیجه فیلمنامه‌ای که به تهیه‌کننده تحویل می‌دهم، بسیار شسته رفته است.

## این مجموعه ادامه‌ای هم دارد؟

بله، الان روی قسمت سوم کار می‌کنم، و باز هم نسخه‌های بسیاری خواهم نوشت تا به نسخه مورد نظر برسیم.

منبع: [latimes.com](http://latimes.com)



ملیسا روزنبرگ یکی از موفق‌ترین و مشهورترین نویسندگان فیلمنامه‌های تلویزیونی است. او که متولد ۱۹۶۲ است، نوشتن برای سریال‌های تلویزیونی را از سال ۱۹۹۴ آغاز کرده. او متن سه قسمت از سریال مشهور پزشک دهکده را نوشته که در ایران هم پخش شده. از فیلمنامه‌های معروف دیگر او *Step Up* و همچنین نوشتن متن ۱۰ قسمت از سریال پر مخاطب و درخشان *دکستر* است.

## انگار فیلمنامه نسخه دیگری داشته و شما تغییراتی در آن داده‌اید؟ چرا؟

مواد خام و صحنه‌های بسیاری در آن متن بود که کوتاه‌تر یا حذف شدند تا فیلمنامه سریع‌تر پیش برود.

## شخصیت ادوارد در بخش قابل توجهی از فیلمنامه غایب است، این مسئله چقدر کار را برایتان سخت کرد؟

مسئله اصلی من هنگام نوشتن همین بود. نه فقط ادوارد، بلکه او و همه فامیلس را از دست داده بودیم. خون‌آشام‌هایی که قرار بود بشناسیم و به آنها نزدیک شویم، غایب بودند. در کتاب این افراد